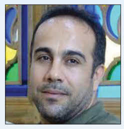
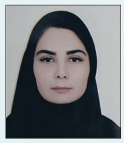
nasimjonoub.com
نسیم جنوب
سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۰۷
شنبه ۱ دی ۱۴۰۳ ۱۲ صفحه – ۵۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

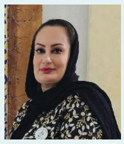
آیین نکوداشت
دکتر جعفر حمیدی:
تاملی بر نقش سترگ دکتر جعفر حمیدی در اعتلای فرهنگ ایران

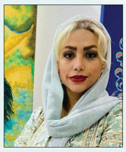

مراقبت از خود
عبدالخالق ماجدی


اصالت‌ات را قربانی هیچ چیز نکن
حسین زیرراهی

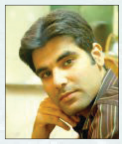

مرثیه‌ای برای دریای بوشهر
محی‌الدین حسینی

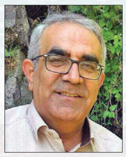

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در سیاست گذاری محیط‌زیستی
مرجان بارانی


هنر را در خانه دل‌تان نگذارید تا خاک بخورد
ساناز عباسی


هیچ وقت در مسیر و از مسیری که هستید ناامید و خارج نشوید
آتنا ناصرپور


به پاسداشت زنان سخت کوش و استوار
حسین شادکامی

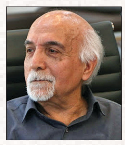

اگر واقعاً دغدغه حجاب دارید!
محسن قیصی‌زاده


پیرانه سری، بدون مسکن
دکتر سعید معدنی


دغدغه‌ها و پرسش‌های توان‌یابان شاغل استان بوشهر
ترانه فرخی


به دغدغه‌های نیروهای روابط عمومی و رسانه، توجه کنید
مهسا متقی


علوم‌پزشکی بوشهر فرصت درمان یا مسلخ اعتبار؟
عبدالخالق عبدالهی


پرده نشینی زنان
حسین حشمتی


از دی حبیب در بوشهر تا انوشه انصاری در فضا
جمیل رزمی



سهل انگاری اداره راه و شهرسازی بوشهر؛
از تخریب «عمارت طبیب» در بوشهر جلوگیری کنید

ویژه نکوداشت روز زن
مقاومت زنان در برابر نابرابری‌های جنسیتی

زنان با شجاعت حقوق خود را پیگیری می‌کنند

نگاه سنتی به زن، منشا کج‌رفتاری‌هاست

آیین نکوداشت دکتر جعفر حمیدی، شاعر، استاد دانشگاه و پژوهشگر بوشهری، در تهران:

تاملی بر نقش سترگ دکتر جعفر حمیدی در اعتلای فرهنگ ایران



استاندار بوشهر: اخلاق استاد زبانزد خاص و عام است

استاندار بوشهر با اشاره به نقش سترگ سیدجعفر حمیدی، پژوهشگر و استاد ادبیات دانشگاه در اعتلای فرهنگ و ادبیات ایران، تاکید کرد: گوهر گرانبهای معرفت وجودی و اخلاق استاد حمیدی زبانزد خاص و عام است.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر، ارسلان زارع با تشکر از انتشارات «بامداد نو»، خانه اندیشمندان علوم انسانی و هفته‌نامه «نیم‌روز» به عنوان بانیان برگزاری آیین بزرگداشت دکتر سیدجعفر حمیدی در تهران گفت: استاد حمیدی دهه‌های پربار و گرانقدر عمر خود را صرف آموزش، تحقیق و پژوهش و نگارش کتاب‌هایی



کرد که بر تارک فرهنگ استان بوشهر و البته ایران می‌درخشد.

وی ادامه داد: تربیت دانش‌آموزان در بوشهر در دوران جوانی و دانشجویان کوشا و پژوهشگر در دانشگاه تهران و شهید بهشتی تهران گامی در خدمت به اهالی علم و ادب و فرهنگ ایران است. بی‌شک نکوداشت دکتر حمیدی کاری شایسته است برای پاسداشت مقام شامخ علمی این استاد فاضل در سال‌های اخیر در این مکان مقدس است. به عقیده من، در هر مکانی که در آن از آموزش، علم، هنر و فرهنگ سخن گفته می‌شود، مقدس است.

استاندار بوشهر افزود: در کنار تلاش‌های ارزنده استاد حمیدی در حوزه فرهنگ و ادبیات، گوهر گرانبهای معرفت وجودی و اخلاق او زبانزد خاص و عام است. بدون اغراق سجایای اخلاقی او می‌درخشد تا جایی که شایسته احترام و تعظیم است.

وی در ادامه با بیان این که استان بوشهر در گذشته به واسطه داشتن پیشینه تاریخی درخشان اشتهار داشت، گفت: اما امروزه به‌عنوان قطب صنعتی و انرژی کشور شناخته می‌شود و به عنوان «پایتخت انرژی کشور» در گفتمان امروز و دیالوگ‌های نسل جوان مطرح می‌شود که البته مفید است اما باید اشاره شود که بوشهر مفاخر علمی و فرهنگی بسیاری دارد که تلاش‌های ماندگاری باید برای شناساندن این مفاخر بومی آن صورت بگیرد و ظرفیت‌های فرهنگی و ادبی آن به عموم جامعه ایران شناسانده شود.

زارع با تاکید بر این که مفاخر علمی، ادبی و فرهنگی استان بوشهر سرمایه‌های بی‌بدیلی هستند که معرف تمدن و فرهنگ دیرپای کشورمان و سرزمین بوشهر هستند، یادآور شد: استاد سیدجعفر حمیدی از جمله فرهیختگانی است که برای شناساندن او و هنوز هم باید حمیت بیشتری به خرج بدهیم. بسیار خرسندم از این اقدام ارزنده در پاسداشت جایگاه شامخ این استاد برجسته ادبیات کشور.

استاندار بوشهر تاکید کرد: گفتمان وفاق ملی دولت چهاردهم استفاده از همه ظرفیت‌ها را برای اعتلای شاخص‌های پیشرفت و توسعه در دستور کار دارد. از آن‌جایی که خود افتخار معلمی دارم، اعتقاد راسخ دارم که مهم‌ترین شاخص‌های توسعه هر جامعه‌ای، شاخص‌های علمی، فرهنگی و ادبیات آن جامعه است، نه صرفاً سخت‌افزار. از همین تریبون اعلام می‌کنم که استانداری بوشهر از هر مساعدت و ایده‌های نو و خلاقانه در راستای معرفی اندیشمندان بومی و غیربومی که در استان بوشهر خدمت‌رسانی کرده‌اند، به نسل امروز استقبال می‌کنم.



استاد حمیدی ۸ دهه از عمر خود را برای اعتلای فرهنگ ایران گذاشت

محمدجواد حق‌شناس نیز در بخش دیگری از این آیین گفت: در این مراسم گرد هم آمده‌ایم تا زحمات، تلاش‌ها و کوشش‌های یک انسان بزرگ و شخصیت نخبه و فرهیخته را پاس بداریم. کسی که نزدیک به هشت دهه از عمر خود را با قلم، کتاب، شعر، نوشتن و سپردن دل در گروی مردم ایران‌زمین و داشتن ریشه در خاک بوشهر و جنوب و دریای خلیج فارس برای اعتلای فرهنگ و ادب این سرزمین گذاشته است. او کسی نیست جز دکتر سیدجعفر حمیدی.

این فعال سیاسی و مدیرمسئول هفته‌نامه «نیم‌روز» با تاکید بر این‌که دکتر سیدجعفر حمیدی نامی است که با آن آشنا هستیم، افزود: وی بیش از ۴۰ مقاله و بیش از ۴۰ کتاب در طول حیات خود به‌عنوان یک ایران‌شناس و پژوهشگر در حوزه ادبیات و فرهنگ به رشته تحریر درآورده است. او همچنین به‌عنوان یک شاعر با اشراف به ادبیات جنوب به‌ویژه بوشهر کوشید تا غنای ادبی این منطقه را بازنمایی کرده و پاس بدارد.

وی ادامه داد: زمانی که به‌عنوان مسئول کمیسیون فرهنگی شورای شهر تهران در خدمت مردم بودم، فرصتی دست داد تا گذرگاه‌ها، میادین، کوچه‌ها و خیابان‌های تهران را به نام اندیشمندان، شاعران، هنرمندان، پژوهشگران و شخصیت‌های ماندگار سرزمین ایران گره بزنیم. یکی از توفیقات ما در آن زمان این بود که خانه استاد حمیدی را در باقرخان به نام خود استاد نامگذاری کنیم. خوشحالم که این اتفاق در دوره‌ای افتاد که استاد حال خوبی داشتند



و با ما همراهی کردند. علاوه بر آن، بزرگداشتی هم برای دکتر حمیدی با رونمایی یکی از آثارشان برگزار کردیم که مورد استقبال اهالی ادب واقع شد.

حق‌شناس ضمن قدردانی از حضور ارسلان زارع، استاندار بوشهر در این مراسم گفت: با توجه به رویکرد دولت چهاردهم، یکی از محورهای توسعه کشور، توسعه حوزه دریا قلمداد شده است که استان بوشهر با داشتن بیشترین مرز با خلیج فارس طبیعتاً یکی از محورهای توسعه ایران خواهد بود. بنابراین مطلوب است که در این زمینه از قلم کسانی که در حوزه دریا نوشته‌اند و شناخت دارند، بهره گرفته شود.

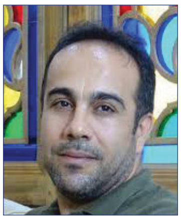
همچنین در این مراسم، محمد راستاد، کامیار عابدی، سیداحمد کازرونی، مهدی ماحوزی و محمد ولی‌زاده به ایراد سخنانی در باب شخصیت و نقش و جایگاه دکتر حمیدی در اعتلای فرهنگ و ادبیات ایران و جنوب پرداختند.

همچنین با کوشش محمد ولی‌زاده، مقالات دریامحور استاد حمیدی که پیش از این در مجله بندر و دریا منتشر شده بودند، جمع آوری و با عنوان «از نزدیک با بندر و دریا» در قالب یک کتاب منتشر شود که در این برنامه از آن رونمایی شد.

به گزارش ایبنا؛ آیین نکوداشت دکتر جعفر حمیدی، شاعر، استاد دانشگاه و پژوهشگر جنوبی در سالن فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی تهران به همت انتشارات «بامداد نو» و همکاری خانه اندیشمندان علوم انسانی و هفته‌نامه نیم‌روز برگزار شد.

مراقبت از خود

عبدالخالق ماجدی



تقریبا یک ماهی درگیر مطالعه نظریه «خود» از جورج هربرت مید(۱۹۳۱-۱۸۶۳)؛ جامعه‌شناس رفتارگرا بودم و تبعا در این چند هفته حساسیتم نسبت به استفاده از کلمه «خود» زیاد شده است. یکی از بستگان نزدیکم که شنید درگیر دیابت هستم برایم نوشت: مراقب «خودت» باش. حمید هم در کانال تلگرامی‌اش نوشته بود: «من یک مرد مطیع نیستم و هیچ‌گاه دنباله‌رو هیچ تفکری نبوده‌ام. مسیر فکری و اجتماعی خودم را دنبال می کنم، مسیری که از درون من سرچشمه می گیرد، نه از نگاه یا خواسته‌های دیگران. نظر دیگران برایم اهمیتی ندارد، چرا که من برای رضایت آن‌ها زندگی نمی کنم. من خودِ واقعی‌ام هستم، نه آن چه دیگران انتظار دارند یا می‌خواهند باشم. این مسیر شاید سخت باشد، اما تنها راهی است که احساس آزادی و اصالت را برایم به ارمغان می‌آورد.»

جامعه‌شناسان رفتارگرایی مثل ویلیام جیمز، جان دیویی و جورج هربرت مید برای تبیین،تفسیر و توصیف رفتار انسان براین باورند که انسان چیزی نیست مگر «خودش» و این «خود» شامل «منِ فاعلی» و «منِ مفعولی» می‌باشد. از ابتدای تولد، منِ فاعلیَ و منِ مفعولیَ پا به پای هم شکل می گیرند و همیشه با هم و متَناظر هم هستند و با هم نیز تغییر می کنند. منِ مفعولی باعث تغییر منِ فاعلی می‌شود و بالعکس؛ منِ فَاعلی هم عاملیت و بازیگری دارد و باعث تغییر منِ مفعولی می‌شود. منِ مفعولی، نماینده جامعه و محل تَجمیع نگرش‌ها، باورها، انتظارات آدم‌ها و حتی روابط ما با حیوانات و اشیاء پیرامونی‌مان هست. تصویری از داد و ستدها و تبادلات و روابط متقابل ما با دیگران در این منِ مفعولی ذخیره می‌شود و مرز مشترک بین منِ فاعلیِ کُنَشگر و دیگران است. مهم‌ترین کانون مرکزیَ نظریهِ «خود» اینست که «منِ فاعلی» نسبت به «من مفعولی» کُنش و واکنش انجام میَ‌دهد و نه مستقیما نسبت به دیگری یعنی این‌که کنش و واکنش‌های انسان نسبت به «خودش» است و نه دیگری. اگر من نسبت به دیگری دلسوزی می کنم در واقع نسبت به «خودم» در حال دلسوزی هستم چون‌که دیگری در «خودِ» من یعنی «منِ مفعولی» من حضور پیشینی دارد و ممکَن نیست منَ نسبت بهَ دیگری عاطفه و احساسی مثبت یا منفی داشته باشم مگر این‌که تصویری پیشینی از او در «منِ مفعولی» خودِ من وجود و حضور داشته باشد. در «منِ مفعولی» فامیل‌مان، من حضور داشتم و در واقع جمله‌اشَ خطاب به «خودش» بود و من تنها شنونده و بیننده آن بودم و تبعا تحت تاثیر آن گزاره قرار گرفتم و به آن پاسخ محبت‌آمیزی هم دادم و این پاسخ،تصویر من را در «من مفعولی» خود او و همچنین تصویر او را در «من مفعولی» خودم، زیباتر و دلنشین‌تر کرد. محرکی که به جریان می‌افتد چیزی را به‌صورت همزمان در وجودِ «خودِ» دو طرفِ رابطه، تحریک می کند.(پدیدارشناسی کنش ارتباطی متقابل)

بنیان و هستی این «خود»، اجتماعی است و در غیاب دیگران و یا توهم امکان حذف دیگران، «خودی» وجود ندارد. می گویند تفاوت انسان و حیوانات در این است که انسان می‌تواند نسبت به خودش «آگاهی» پیدا کند و این توانایی ممکن نیست مگر این‌که انسان فراتر از «خودش» قرار گیرد و نظاره‌گر منِ فاعلی و منِ مفعولی در «خودش» شود یعنی این‌که به «خودش» بسَان یک شیء بنگرد و تنها در این شرایط است که می‌تواند افسار منِ فاعلی را در دست بگیرد و به محرک‌های من مفعولی موَجود در «خودش» پاسخ بی درنگ ندهد؛ با هر رَطب و یابس تحریک نشود. در اغلب لحظات زندگی درباره اتفاَقات پیرامونی خودمان آگاهیم ولی بندرت در وضعیت «خودآگاهی» قرار داریم. با «خودمان» در خلوت و تنهایی گفتگو می کنیم ولی نسبت به «خودمان» آگاهی نداریم.(تفاوت آگاهی و خودآگاهی)

تنها انسانِ عاقل است که می‌تواند رابطه منِ فاعلی و منِ مفعولی رَا در «خودش»، متعادل و متوازنَ نگه دارد و متوجه باشیم که این روابط، فرآیندهایی متقابل هستند و بر یکدیگر اثرگذارند و در یک محیط و بستر اجتماعی شکل می گیرند؛ انسان در خلاء زندگی نمی کند. انسانِ عاقل، داناست که نه عروسک خیمه شب بازیست و نه کارگردان تمام عیار صحنه زندگی «خودش». انسانی معقول است که نسبت به «مشروط بودن» خودش، فهم دقیقی داشته باشد. نه «مختار» ما یشاء و نه «مجبور» عَلَی الاِطلاقیم؛ بلکه موجودی «مشروطیم». یکی از «شروط» معقولی انسان، درک حضور دیگری و توجه توأمان به منِ فاعلی و منِ مفعولیست.(مختار،مجبور و مشروط)



برگزاری استانی جشنواره بین‌المللی قصه‌گویی در دیلم استان بوشهر

زندگی آگاهانه

اصالت‌ات را قربانی هیچ چیز نکن

حسین زیرراهی – مدرس مهارتهای توسعه فردی



در زندگی زمان‌های زیادی وجود دارد که مجبوری بین شخصیتی که دیگران از تو می‌خواهند و آن کسی که خودت دوست داری باشی یکی را انتخاب کنی.

آسان‌ترین گزینه این است که خودت باشی. البته به شرطی که در کودکی والدینت به نیازهای تو گوش داده، آن را تایید کرده و اجازه داده باشند احساسات‌ات را آزادانه بیان کنی. با این کار آن‌ها اجازه داده‌اند خود واقعی‌ات شکوفا شده و ریشه‌های عمیقی بدواند. البته اگر شما هم مثل بقیه مردم بزرگ شده باشید، محدودیت‌هایی داشته و احتمالا توانایی خود بودنت در زیر لایه‌هایی از شرایط بیرونی و اعتقاداتی که حتی واقعیت نداشته است دفن شده است. این اعتقادات زمانی ضامن بقا بوده ولی امروز بر زندگی شما حاکم است. احساساتی مانند من ناقصم؛ توانایی انجام این یا آن کار را ندارم؛ باید دیگران را خوشحال کنم تا دوستم داشته باشند؛ بر شما حاکم شده است.

ما زندگی نمی کنیم تا با ساز دیگران برقصیم. این زندگی فرصتی است برای این‌که موسیقی خود را برای خود بنوازیم، بی‌توجه به این‌که چقدر صدای آن بلند، متفاوت یا برای دیگران ناخوشایند باشد.

این خود واقعی تو است. نشان می‌دهد چه چیزی برایت مهم است، چه طور با دیگران رفتار کنی، و وقتی تنها هستی چه احساسی داشته باشی. این خود واقعی تو است و باید آن‌را بپذیری، آن‌را به آغوش بکشی، و با این کار زخم‌هایی را شفا دهی که بخاطر بازی کردن نقش‌هایی که با شخصیت‌ات هم‌راستا نبوده است ایجاد شده است. چنان که در نهایت آزاد باشی تا آن کسی باشی که برایش به دنیا آمده‌ای.

اگر نیاز داری فقط یک چیز در زندگی انتخاب کنی که تفاوت زیادی ایجاد کند اصیل باش.

همان کسی باش که واقعا هستی. دیگر نه چیزی مهم است و نه مهم است کجا و با چه کسی هستی. این طرز فکر به یک زندگی معنادار رضایت‌بخش برای خود منجر می‌شود و دیگران را هم ترغیب می کند همان کار را بکنند. حتی کسانی که با تو مخالفت می کنند در دل به این ویژگی تو حسادت می کنند.

فقط به یاد داشته آن‌چه هستی کافی است، بنابراین نترس که آن‌را به دنیا نشان دهی. از زندگی لذت ببر!

کاهش ۳۵ درصدی صید؛ از رؤیای ماهیگیری تا کابوس تورهای خالی

«مرثیه‌ای برای دریا»؛ بوشهر در آستانه فاجعه زیست‌محیطی

محی‌الدین حسینی‌مقدم



صید امروز: هیچی! این پاسخ تلخ و کوتاه صیاد ۵۸ ساله بوشهری، روایتگر داستان این روزهای خلیج‌فارس است. دریایی که زمانی سخاوتمندانه سفره‌های مردم را رنگین می‌کرد، حالا با کاهش چشمگیر ۳۵ درصدی صید، به کابوسی برای ۱۱ هزار صیاد بومی تبدیل شده است. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد، آلودگی‌های نفتی، صید بی‌رویه و تغییرات اقلیمی، آب‌های نیلگون خلیج فارس را به سوی بحرانی بی‌سابقه سوق داده است؛ بحرانی که نه تنها اکوسیستم دریایی، بلکه حیات اقتصادی و اجتماعی این منطقه را تهدید می‌کند.

آب‌های نیلگون خلیج فارس در سواحل بوشهر، دیگر آن سخاوت همیشگی را ندارند. لنج‌های صیادی که روزگاری با تورهای پر از ماهی به ساحل باز می‌گشتند، حالا با دستان خالی روایتگر داستان تلخ کاهش ذخایر آبزیان هستند. آمارها از کاهش چشمگیر ۳۵ درصدی صید در سال جاری نسبت به سال گذشته خبر می‌دهند؛ آماری که پشت هر عدد آن، سرنوشت هزاران خانوار صیاد نهفته است. این روزها، صیادان کهنه‌کار بوشهری با نگرانی از تغییرات اقلیمی، آلودگی‌های نفتی و صید بی‌رویه سخن می‌گویند. دریایی که زمانی میزبان انواع ماهیان خلیج‌فارس از حلوا و شوریده گرفته تا میگو و سنگسر بود، حالا با چالش‌های جدی در حفظ تنوع زیستی روبروست. گرم شدن آب‌ها، تغییر در چرخه‌های تولیدمثل آبزیان و فشار مضاعف صید غیرمجاز، این اکوسیستم حساس را به مرز هشدار رسانده است. کارشناسان شیلات استان بوشهر معتقدند باید فکری عاجل برای این بحران کرد. طرح‌های حمایتی از صیادان، اجرای دقیق‌تر قوانین منع صید در فصول تخم‌ریزی، و توسعه آبزی‌پروری به عنوان راهکارهای کوتاه‌مدت مطرح شده‌اند. اما واقعیت این است که احیای ذخایر دریایی، نیازمند عزمی ملی و برنامه‌ریزی بلندمدت است. جامعه صیادی بوشهر، با قدمتی چند صد ساله، امروز در نقطه عطفی تاریخی قرار گرفته است. سؤال این‌جاست: آیا می‌توان تعادل را به این اکوسیستم بازگرداند؟ پاسخ این سؤال در گرو اقدامات فوری و هماهنگ تمام دستگاه‌های مسئول است.

فراموش نکنیم که دریا نه تنها منبع معیشت صیادان، بلکه میراث مشترک نسل‌های آینده است. امروز، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند بازنگری در شیوه‌های بهره‌برداری از منابع دریایی هستیم. احیای ذخایر آبزیان خلیج‌فارس، حفظ اشتغال صیادان و تضمین امنیت غذایی منطقه، اهدافی هستند که تحقق آن‌ها نیازمند همکاری همه‌جانبه دولت، جامعه صیادی و مردم است.

تأثیرات اقتصادی و اجتماعی بحران

کاهش ذخایر آبزیان تنها یک بحران زیست‌محیطی نیست. این پدیده پیامدهای عمیق اقتصادی و اجتماعی را به دنبال داشته است. بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که درآمد صیادان بوشهری به طور میانگین ۴۰ درصد کاهش یافته و بسیاری از خانواده‌های صیاد به مشاغل دیگر روی آورده‌اند. این مهاجرت شغلی، تهدیدی جدی برای هویت فرهنگی و اجتماعی منطقه محسوب می‌شود. فروشندگان محلی ماهی، رستوران‌داران و صنایع فرآوری محصولات دریایی نیز از این بحران متأثر شده‌اند. افزایش قیمت ماهی و کاهش تنوع



آبزیان در بازار، الگوی مصرف خانواده‌های بوشهری را تغییر داده است. غذاهای دریایی که زمانی بخش جدایی‌ناپذیر سفره مردم این دیار بود، حالا به کالایی لوکس تبدیل شده است.

راهکارهای پیشنهادی

کارشناسان معتقدند برای مقابله با این بحران، نیازمند اتخاذ رویکردی چندجانبه هستیم:

۱. تقویت نظارت بر صید غیرمجاز و افزایش جریمه‌های متخلفان

۲. سرمایه‌گذاری در طرح‌های تکثیر و پرورش آبزیان

۳. ایجاد مناطق حفاظت‌شده دریایی برای احیای ذخایر

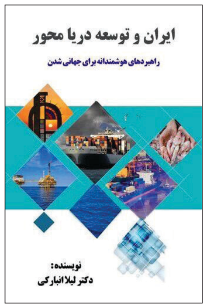
۴. حمایت مالی از صیادان در دوره‌های ممنوعیت صید

۵. آموزش روش‌های نوین و پایدار صیادی

چشم‌انداز آینده

آن‌چه مسلم است، وضعیت کنونی نیازمند اقدام فوری است. تجربیات جهانی نشان می‌دهد که با اتخاذ سیاست‌های صحیح و مشارکت همه ذی‌نفعان، می‌توان روند کاهشی ذخایر دریایی را معکوس کرد. بوشهر با تاریخ کهن دریانوردی و صیادی‌اش، ظرفیت تبدیل شدن به الگویی موفق در مدیریت پایدار منابع دریایی را دارد. امید است با همت مسئولان و همراهی مردم، روزهای پررونق دوباره به سواحل این دیار بازگردد. باشد که با درایت و تدبیر، بتوانیم این میراث گرانبها را برای آیندگان حفظ کنیم.

کتاب «ایران و توسعه دریامحور» در بوشهر منتشر شد



کتاب «ایران و توسعه دریامحور: راهبردهای هوشمندانه برای جهانی شدن» به قلم لیلا انبارکی نویسنده بوشهری از سوی انتشارات پاتیزه روانه بازار نشر شد.

نویسنده کتاب در گفت و گو با ایرنا گفت: این کتاب با هدف بررسی ظرفیت‌های بالقوه ایران در حوزه توسعه دریامحور و تبیین نقش آن در روند جهانی شدن به نگارش درآمده است.

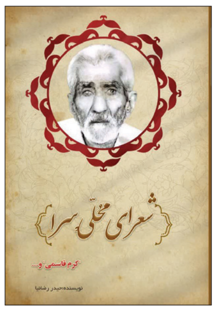
لیلا انبارکی افزود: این اثر با بهره‌گیری از دانش علمی و پژوهشی خود، به تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های موجود برای استفاده بهینه از موقعیت استراتژیک ایران در زمینه دریانوردی و حمل و نقل دریایی می‌پردازد.

وی ادامه داد: همچنین، کتاب راهکارهای نوینی مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته برای ارتقای جایگاه ایران در این حوزه و توسعه همکاری‌های بین‌المللی را ارائه می‌دهد.

نویسنده کتاب «ایران و توسعه دریامحور» گفت: از موضوعات کلیدی این کتاب می‌توان به نقش اساسی دریانوردی در توسعه اقتصادی، تجاری و فرهنگی ایران در سطح جهانی اشاره کرد. انبارکی یادآور شد: این اثر، علاوه بر پرداختن به چالش‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی، پیشنهادهایی برای غلبه بر موانع موجود در مسیر توسعه دریامحور ایران ارائه می‌کند.

انتشارات پاتیزه این کتاب را به جامعه علمی و پژوهشی معرفی کرده و آن را اثری مهم در حوزه توسعه اقتصادی و استراتژیک ایران می‌داند.

کتاب «شُعرای محلی‌سرا» نویسنده بوشهری روانه بازار نشر شد



کتاب «شُعرای محلی‌سرا» نوشته حیدر رضانیا نویسنده جنوبی به همت انتشارات قلمداران جنوب روانه بازار کتاب شد.

مدیر انتشارات قلمداران جنوب در گفت و گو با ایرنا افزود: این کتاب با مقدمه‌ای از دو فرهنگی فرهیخته، تورج صابر نظرآقا و فاطمه قاسمی (نوه شاعر مرحوم کرم قاسمی) به رشته تحریر درآمده است.

مسعود عرب‌زاده افزود: کتاب «شُعرای محلی‌سرا» در دو بخش به معرفی زندگی‌نامه، اشعار و متن‌های طنزگونه شاعران محلی می‌پردازد که بسیاری از آن‌ها حتی سواد خواندن و نوشتن نداشتند. این کتاب مجموعه‌ای از شعرها، مطالب طنزآمیز و پندآموزی را شامل می‌شود.

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در سیاست‌گذاری محیط زیستی

مرجان بارانی – دانش آموخته دکترای علوم سیاسی



سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها) به عنوان نهادهای غیرانتفاعی و مستقل از دولت، نقشی اساسی در شکل‌دهی و پیشبرد اهداف جامعه مدنی ایفا می‌کنند. این نهادها، که با تمرکز بر توانمندسازی جوامع محلی و ارتقای آگاهی عمومی فعالیت می‌کنند، در حوزه‌های مختلفی همچون محیط زیست، حقوق بشر، توسعه پایدار، و خدمات اجتماعی به عنوان یکی از بازیگران کلیدی در فرآیندهای سیاست‌گذاری شناخته می‌شوند. محیط زیست به دلیل نقش حیاتی خود در پایداری اکوسیستم‌ها و کیفیت زندگی، یکی از حوزه‌هایی است که نیازمند توجه و مشارکت سمن‌ها است. ایران با چالش‌های زیست‌محیطی متعددی مانند کمبود آب، آلودگی هوا، فرسایش خاک و کاهش تنوع زیستی مواجه است که می‌تواند تأثیرات جبران‌ناپذیری بر اکوسیستم‌های محلی و ملی داشته باشد. در این میان، سمن‌ها با افزایش آگاهی عمومی و مشارکت در سیاست‌گذاری‌های محیط زیستی، نقشی کلیدی در مقابله با این چالش‌ها ایفا می‌کنند. یکی از نخستین و مهم‌ترین نقش‌های سمن‌ها، افزایش آگاهی عمومی نسبت به مسائل محیط زیستی است. این نهادها از طریق برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها، کنفرانس‌ها و فعالیت‌های آموزشی، جامعه را نسبت به اهمیت حفاظت از محیط زیست و چالش‌های موجود آگاه می‌سازند. به عنوان مثال، سمن‌ها با انتشار محتواهای آموزشی، گزارش‌ها و مطالعات موردی، به افزایش حساسیت عمومی نسبت به مشکلاتی مانند تغییرات اقلیمی، آلودگی هوا، کاهش تنوع زیستی و تخریب منابع طبیعی کمک می‌کنند. علاوه بر این، سمن‌ها با استفاده از رسانه‌های اجتماعی و کمپین‌های اطلاع‌رسانی آنلاین، توانسته‌اند مخاطبان گسترده‌تری را درگیر مسائل محیط زیستی کنند و از این طریق، مشارکت اجتماعی را در حفاظت از محیط زیست افزایش دهند. این نقش آگاهی‌بخشی به ویژه در جوامعی که دسترسی به منابع آموزشی محدود است، بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند به تدریج فرهنگ حفاظت از محیط زیست را در بین مردم نهادینه کند. علاوه بر نقش آگاهی‌بخشی، سمن‌ها به‌عنوان ناظران مستقل و غیردولتی، در پیگیری اجرای قوانین و مقررات زیست‌محیطی نیز نقش مهمی دارند. این نهادها با همکاری با سازمان‌های دولتی و بین‌المللی، و از طریق رصد و گزارش تخلفات زیست‌محیطی، به اطمینان از رعایت استانداردها و قوانین محیط زیستی کمک می‌کنند. سمن‌ها با ایجاد شبکه‌های مردمی و محلی، اطلاعات مرتبط با تخلفات زیست‌محیطی را جمع‌آوری و به مراجع قانونی و اجرایی منتقل می‌کنند. همچنین، این نهادها با ارائه گزارش‌ها و شکایت‌های رسمی به دستگاه‌های مسئول، می‌توانند در جلوگیری از تخریب‌های زیست‌محیطی و مجازات عاملان آن‌ها مؤثر باشند. این نقش نظارتی به‌ویژه در کشورهایی که نهادهای دولتی با چالش‌های نظارتی روبه‌رو هستند، بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند به عنوان یک نیروی فشار قوی برای اجرای بهتر قوانین و مقررات محیط‌زیستی عمل کند. یکی دیگر از مهم‌ترین وظایف سمن‌ها، مشارکت فعال در فرآیندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری محیط زیستی است. این نهادها از طریق ارائه نظرات تخصصی، گزارش‌ها و مشاوره‌های علمی، به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کمک می‌کنند تا قوانین و سیاست‌های مؤثرتری برای حفاظت از محیط زیست تدوین کنند. سمن‌ها می‌توانند با شرکت در کارگروه‌های مشورتی، نشست‌های تخصصی و کمیته‌های سیاست‌گذاری، دیدگاه‌های جامعه مدنی و مردمی را در فرآیند تصمیم‌گیری وارد کنند. همچنین، آن‌ها از طریق فعالیت‌های لابی‌گری و مذاکرات با نمایندگان دولتی و قانون‌گذاران، سعی در تأثیرگذاری بر تصویب و اصلاح قوانین زیست‌محیطی دارند. این مشارکت‌ها می‌تواند به بهبود کیفیت سیاست‌گذاری‌ها و افزایش شفافیت و پاسخگویی در فرآیندهای تصمیم‌گیری منجر شود و از این طریق به توسعه سیاست‌های زیست‌محیطی پایدار کمک کند. سمن‌ها همچنین در اجرای پروژه‌های محیط زیستی محلی و ملی نقشی مهم دارند. این پروژه‌ها می‌توانند شامل برنامه‌های احیای جنگل‌ها، حفاظت از گونه‌های در حال انقراض، مدیریت پسماندها، بهبود کیفیت آب و هوا، و ترویج انرژی‌های تجدیدپذیر باشند. سمن‌ها با استفاده از منابع مالی و انسانی محلی، و با مشارکت جامعه محلی، می‌توانند پروژه‌هایی را به اجرا درآورند که تأثیرات مثبتی بر محیط زیست داشته باشد. این پروژه‌ها اغلب به صورت پایلوت و با هدف ترویج روش‌های نوآورانه و پایدار انجام می‌شوند و می‌توانند به عنوان الگوهایی برای توسعه برنامه‌های بزرگ‌تر در سطح ملی مورد استفاده قرار گیرند. این فعالیت‌ها نه تنها به بهبود وضعیت محیط زیست کمک می‌کند، بلکه باعث تقویت اعتماد عمومی به سمن‌ها و ارتقای مشارکت مردمی در حفاظت از محیط زیست می‌شود. همکاری با نهادهای ملی و بین‌المللی نیز یکی دیگر از روش‌های تأثیرگذاری سمن‌ها بر سیاست‌گذاری‌های محیط زیستی است. سمن‌ها با ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌المللی می‌توانند از تجربیات و منابع این نهادها برای تقویت ظرفیت‌های خود استفاده کنند. به عنوان مثال، همکاری با نهادهای بین‌المللی محیط زیستی می‌تواند به سمن‌ها در دستیابی به استانداردهای بین‌المللی و بهترین روش‌ها در حفاظت از محیط زیست کمک کند. این همکاری‌ها همچنین می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا درک بهتری از چالش‌های جهانی محیط زیستی پیدا کنند و راهکارهای مؤثرتری را برای مقابله با این چالش‌ها در سطح ملی ارائه دهند. از سوی دیگر، شبکه‌های ملی و بین‌المللی می‌توانند به سمن‌ها در لابی‌گری و اعمال فشار بر نهادهای دولتی و سازمان‌های بین‌المللی کمک کنند تا سیاست‌های مؤثرتری برای حفاظت از محیط زیست تصویب و اجرا شود. سمن‌ها در جلب حمایت عمومی برای حفاظت از محیط زیست نیز نقشی کلیدی دارند. مشارکت مردمی یکی از عناصر حیاتی در موفقیت برنامه‌های محیط زیستی است. سمن‌ها از طریق ایجاد کمپین‌های عمومی، فراخوان‌های جمعی و فعالیت‌های اجتماعی، مردم را به مشارکت در حفاظت از محیط زیست تشویق می‌کنند. این نهادها با برگزاری رویدادهای محلی مانند پاکسازی سواحل، کاشت درختان، و آموزش‌های میدانی، افراد را به طور مستقیم در فعالیت‌های محیط زیستی درگیر می‌کنند. این اقدامات نه تنها به افزایش آگاهی و تعهد عمومی منجر می‌شود، بلکه جامعه را به عنوان یک نیروی قدرتمند در حفاظت از محیط زیست بسیج می‌کند و از این طریق تأثیرگذاری سمن‌ها بر سیاست‌گذاری‌های محیط زیستی را افزایش می‌دهد. یکی از جنبه‌های مهم فعالیت‌های سمن‌ها، دفاع از حقوق محیط زیستی و ارتقای عدالت محیط زیستی است. عدالت محیط زیستی به معنای توزیع عادلانه منافع و هزینه‌های محیط زیستی در میان همه گروه‌های اجتماعی است. سمن‌ها در این راستا با حمایت از جوامع آسیب‌پذیر و به حاشیه رانده شده، تلاش می‌کنند تا حقوق آن‌ها در دسترسی به منابع طبیعی و بهره‌مندی از محیط زیست سالم حفظ شود. این نهادها با پیگیری موارد تبعیض محیط زیستی، از حقوق گروه‌هایی که به دلیل توسعه ناپایدار یا سیاست‌های غلط تحت تاثیر منفی قرار گرفته‌اند، دفاع می‌کنند. به‌عنوان مثال، سمن‌ها می‌توانند از طریق اقدامات حقوقی و قانونی، حقوق جوامع محلی در برابر پروژه‌های مخرب محیط زیست را تضمین کنند و به برقراری عدالت اجتماعی کمک کنند.

سمن‌ها به عنوان پل‌های ارتباطی بین جامعه مدنی و دولت عمل می‌کنند و با تسهیل گفتگوی اجتماعی، به برقراری ارتباط موثر بین گروه‌های مختلف اجتماعی و تصمیم‌گیران کمک می‌کنند. این نقش می‌تواند در مواقع بحران محیط زیستی یا زمانی که تصمیمات مهمی در حال اتخاذ است، بسیار حیاتی باشد. سمن‌ها با جلب حمایت سیاسی از طریق فعالیت‌های لابی‌گری و گفتگو با نمایندگان و مسئولان دولتی، می‌توانند به تصویب قوانین و مقررات مؤثرتری برای حفاظت از محیط زیست کمک کنند. این نهادها همچنین می‌توانند به عنوان واسطه‌هایی موثر در مذاکرات بین دولت و جوامع محلی عمل کرده و به برقراری تعاملات سازنده و جلوگیری از تعارضات کمک کنند.

در نهایت، سمن‌ها به‌عنوان نهادهایی که به طور مستقیم با مسائل محیط زیستی درگیر هستند، می‌توانند به افزایش پاسخگویی و شفافیت در حوزه محیط زیست کمک کنند. این نهادها با نظارت بر عملکرد دولت و نهادهای اجرایی در اجرای قوانین و سیاست‌های محیط زیستی، از طریق انتشار گزارش‌ها و مستندات، به افزایش شفافیت و ارتقای سطح پاسخگویی مسئولان کمک می‌کنند. سمن‌ها همچنین با ایجاد بستری برای گفتگوی باز و سازنده بین دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی، می‌توانند به برقراری تعاملات سازنده و کاهش تعارضات محیط زیستی کمک کنند.

در نهایت می‌توان گفت که سمن‌ها) نقش بی‌بدیلی در حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار در ایران و جهان ایفا می‌کنند. این نهادها با بهره‌گیری از توانمندی‌های تخصصی و اجتماعی خود، قادرند تاثیرات مثبتی در فرآیندهای سیاست‌گذاری، اجرای پروژه‌های محیط زیستی، و توانمندسازی جوامع محلی ایجاد کنند. از طریق آموزش، آگاهی‌بخشی و نظارت بر عملکرد دولت‌ها، سمن‌ها به افزایش شفافیت، پاسخگویی و مشارکت عمومی در حفاظت از منابع طبیعی کمک می‌کنند. با توجه به چالش‌های جدی زیست‌محیطی که کشور ایران با آن مواجه است، مانند تغییرات اقلیمی، تخریب منابع طبیعی و آلودگی‌ها، نقش سمن‌ها در این زمینه از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شود. این نهادها نه تنها به عنوان ناظران مستقل و منتقدان سازنده، بلکه به عنوان شرکای کلیدی در اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های محیط زیستی مطرح هستند. در نهایت، تقویت و حمایت از فعالیت‌های سمن‌ها می‌تواند به تقویت فرهنگ حفاظت از محیط زیست و دستیابی به اهداف توسعه پایدار در ایران کمک کند.

ساناز عباسی؛ هنرمند بوشهری در مصاحبه با نسیم جنوب:

هنر را در خانه دل‌تان نگذارید تا خاک بخورد

مصاحبه از احمد موسوی زاده



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.
– ساناز عباسی هستم، ۴۰ سالم و کارمند.
– در چه رشته هنری فعالیت می‌کنید؟
– در رشته‌های خط، نقاشی، کالیگرافی و موسیقی.
– چه شد که به این هنر علاقمند شدید؟
– هنر یک چیز ذاتی است، درون هر انسان نهفته است. بعضی‌ها می‌گردند و مسیرش را پیدا می‌کنند و شکوفایش می‌کنند، اما برخی دیگر در یک خانه دلشان می‌گذارد و خاک می‌خورد.
– در این زمینه چه آموزش‌هایی تاکنون دیده‌اید؟
– در موضوع نقاشی در زمینه پاستل گچی و آبرنگ زیر نظر استاد حیدرزاده گرامی بودم و در زمینه خطاطی و کالیگرافی زیر نظر استاد کرمانی گرامی و در موسیقی زیر نظر استاد قایدپوری گرامی.
– استقبال و وضعیت کنونی این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟
– بسیار خوب است و پس از برپایی هر نمایشگاهی بازخورد بیشتری برای آموزش و یادگیری وجود دارد.
– در این راه چه کسانی مشوق شما بودند؟
– علاوه بر خانواده، استادان عزیزم و سپس همکلاسی‌های نازنینم.
– چه اهدافی را در این زمینه دنبال می‌کنید؟
– رسیدن به آرامش خیال.
– وضعیت حمایت از هنرمندان این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟
– هر سال خوشبختانه نسبت به سال قبل بهتر و بهتر می‌شود و امیدوارم که همچنان این مسیر ادامه داشته باشد.
– چه توصیه‌ای برای کسانی که علاقمند به این رشته هنری هستند، دارید؟
– هنر باعث صیقل روح و جان است. آرامش و آسایشی که پس از خلق یک کار به روح و روانت تزریق می‌شود، نوازشی که پس از کار به جانت کشیده می‌شود، قابل وصف با هیچ چیز دیگری نیست.
– چه پیشنهادات و انتقاداتی برای بهتر شدن و پیشرفت این هنر در بوشهر دارید؟
– ما به واسطه تاریخ پربار و گرانبهای خود در زمینه هنر و هنرمندی و خلق آثار بی‌نظیری در تمام عصرهای تاریخی زبانزد جهانیان بوده و هستیم. خواسته من این است که همچنان مثل چند سال اخیر پوشش خبری و حمایت بیشتری از همه هنرمندان داشته باشیم، زمینه ارائه و نمایش آثار هنرمندان بیشتری فراهم شود و به گالری‌های موجود رسیدگی بیشتری گردد.
– سخن پایانی؟
– هنر، نزد ایرانیان است و بس.

آتنا ناصرپور؛ هنرمند بوشهری در مصاحبه با نسیم جنوب:

هیچ وقت در مسیر و از مسیری که هستید ناامید و خارج نشوید



– لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.
– آتنا ناصرپور، مهندسی نرم‌افزار. محل تولد: بوشهر، ۳۵ ساله و شغل آزاد دارم.
– در چه رشته هنری فعالیت می‌کنید؟ نقاشی، خطاطی و نقاشی‌خط.
– چه شد که به این هنر علاقمند شدید؟
– از آن‌جایی که من از کودکی به هنر نقاشی علاقه‌مند بودم و به صورت خودجوش نقاشی می‌کردم و در بزرگسالی، آموزش‌های تکمیلی نقاشی خود را زیر نظر اساتید مختلف گذراندم و در رشته هنری نقاشی فعالیت داشتم.
– گویا خط هم کار می‌کنید؟
– بله، ترجیح دادم دامنه هنرهایی که مرتبط با نقاشی هستند را گسترش بدهم و به خط ثلث علاقه داشتم؛ تصمیم گرفتم در این زمینه مهارت‌های لازم را به‌دست آورم و در کنار هنر نقاشیم، هر دو این هنر را تلفیق کنم و هنرم را کامل‌تر کنم.
– تلفیق خط و نقاشی، خوب از آب در میاید؟
– هر کدام به تنهایی زیبایی خود را دارند و در مجموع، تلفیق این دو هنر می‌تواند تأثیر گذارتر و گویاتر بر روی مخاطب باشد.
– در این زمینه چه آموزش‌هایی تاکنون دیده‌اید؟
– آموزش خط ثلث را یاد گرفتم و تکنیک‌های نقاشی‌خط که هر دوی این‌ها زیر نظر استاد نجمه کرمانی عزیز بوده است.
– استقبال و وضعیت کنونی این رشته هنری در بوشهر چگونه است؟
– برای شناساندن و معرفی این هنر به مردم باید کارهای زیادی انجام شود.
– در این راه چه کسانی مشوق شما بودند؟
– خانواده و استاد عزیزم خانم نجمه کرمانی عزیز.
– چه توصیه‌ای برای کسانی که علاقمند به این رشته هنری دارند، دارید؟
– با تمرین و تکرار می‌توانند به هر آن‌چه که می‌خواهند برسند و هیچ وقت هم در مسیر و از مسیری که هستند ناامید و خارج نشوند.
– سخن پایانی؟
– در پایان تشکر می‌کنم از شما که این فضا را در اختیار هنرمندان قرار دادید تا به بهتر شناخته شدن ما کمک کنید و امیدوارم که از هنرمندان حمایت بیشتری صورت گیرد و شاهد رونق بیشتر هنر باشیم.

مقاومت زنان در برابر نابرابری‌های جنسیتی

هلنا سعادتمند



در طول تاریخ همواره زنان مبارز و شجاعی بوده‌اند که در برابر ظلم و ستم‌ها ایستادگی کرده‌اند. ظلم‌هایی که در طول زمان از همه سو متوجه زنان بوده، چه از طرف حکومت‌ها و چه خانواده‌ها که همواره در آن‌ها مردسالاری حاکم بوده است.

ابتدا بگویم این خود زنان هستند که باید به خودباوری برسند و متوجه شوند ارزش آن‌ها توسط مردان تعیین نمی‌شود.

زن امروز با وجود این که توانسته تا حدودی ادعای حق‌خواهی کند، ولی تا رسیدن به قله راه درازی پیش رو دارد.

تفاوت‌های آشکار جنسیتی چه در محل کار و چه بیرون همواره آزاردهنده می‌باشد.

نمونه کوچک این تفاوت را بیان می‌کنم: یک مرد می‌تواند به راحتی به مدرسه فرزندش مراجعه کند و تقاضای پرونده و جابجایی فرزندش را داشته باشد، ولی یک زن چنین حقی ندارد. باید کلی نامه‌نگاری شود تا بتواند فرزندش را از مدرسه جابجا کند. این نمونه کوچکی بود از آن‌چه در اجتماع می‌گذرد.

اما زن امروز بیدار و هوشیار است و برای احقاق حق خود ایستاده است و در همه ارکان ثابت کرده که چیزی از مردان کم ندارد و حتی در بعضی شرایط مدیریت بهتری نیز داشته‌اند.

شکوه و اعتماد به نفس زنان در زمانی که با اراده و خودباوری به دنبال تحقق خواسته‌های خود هستند، قابل تحسین می‌باشد.

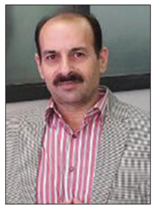
و این انتظار می‌رود که زنان بتوانند قله‌های موفقیت را طی کنند و نگاه جامعه را نسبت به خود تغییر دهند تا شاهد نابرابری‌های جنسیتی نباشیم.



روز زن بر زنان وطنم مبارک

زنان با شجاعت حقوق خود را پیگیری می‌کنند

دکتر عباس حاتمی



زن امروزی، دختر محصور شده نیست که عشقش فقط به ازدواج ختم شود، عشق هنری و شهروندی و... هم دارد.

– همسری نیست که در خفا از قیم‌مآبی شوهر و مادرشوهر رنج بکشد.

– پیر دختری نیست که در حسرت عشق نافرجام جوانی اش، بسوزد.

– او قربانی شرایط مشقت بار زندگی محدود شده اش، نیست.

– تحقیر نمی پذیرد، تسلیم فضول‌ها نمی‌شود، پوشش شاد و استایل مُد روز خود را دارد.

– زن امروزی، قهرمانی است که مستقلانه از زندگی مطالباتی دارد؛ جسارت مطالبه‌گری دارد و ضدتحجر هست، یا دستش به جیب‌اش هست یا املاک و دارایی مستقل بنام خود دارد (مثل داشتن آپارتمان، مغازه، خودرو و...) یا در املاک و دارایی شوهر و پدر سهیم بوده و انسان منفعلی نیست!

– زن نوین اعتماد به نفس دارد که علیه بَردگی جهانی زنان در مقابل قدرت، فرهنگ غیر روزآمد خانواده و جامعه می ایستد، او به عنوان نماینده هم جنسانش برای حقوقش می جنگد و حمایت مردها را جلب می کند.

– زن مُدرن، سبک زندگی روز آمد خودش را دارد، دنبال زندگی شاد و رفاه است.

– زن نوین زیر گیوتین آبرو و سنّت لِه نمی‌شود اما باعفت و متین است.



– زن نوین قدرت رهبری دارد، شهروند درجه یک است و خواستار حقوق اجتماعی برابر بوده و با شجاعت حقوق خود را پیگیری می کند.

به پاسداشت زنان سخت کوش و استوار

حسین شادکامی



فلسفه آفرینش خلقت بشریت، زن و مرد مکمل یکدیگر بوده‌اند و زن نماد زایش (مادر) است که نسل بشریت را توانسته تداوم ببخشد. در طول تفکرات بشریت، زن را فرشته، الهه و میترا که از جانب خالق به عنوان منجی مهر و محبت آفریده شده است، تلقی کرده‌اند. نمی‌توان نقش زن را کم اهمیت‌تر از مرد دانست. زنان در طول تاریخ، هرچند در بی‌مهری و تبعیض فراوان و مورد ظلم تفکیک جنسی قرار می گرفتند، با این حال، اولین معلمان برای انسان‌ها بودند و موفقیت هر مردی را مدیون زن شمرده می‌شد.

زنان خطه ساحل‌نشینان که نقش محوری در تشکل خانه و خانواده داشتند، مردان را پشتیبانی می کردند؛



به‌خصوص زنان صیادان و دریانوردان که در نبود مرد خانه، سایه خود را گسترانیده و خانواده را زیر چتر خود نگه می‌داشتند و سبب انسجام کانون خانواده بودند.

در آن هنگام که به دلیل سوانح دریایی، مرد خانه را از دست می‌دادند، خللی در اراده آن‌ها که به سختی و مشقت بود ایجاد نمی کرد، بلکه قوی‌تر می‌شدند. در نبود مرد خانه، مسئولیت او را به دوش می کشیدند و کم زنانی نبودند که به تنهایی زندگی را زنده نگه می‌داشتند و یاد و نامشان را همیشه در طول تاریخ از خود بجا و ماندگار گذاشتند.

در جهان کنونی نیز، زنان پا به پای مردان در پیشبرد علم و تکنولوژی توانسته‌اند نقش‌آفرینی کنند و تأثیرات شگرفی بر جامعه انسانی بگذارند و اثر خود را در طول دوران بشریت به ثبت رسانده و به پشتوانه زن است که مظهر زندگی، آزادگی و پایمردی مردان قهرمان در طول تاریخ رقم می‌خورد.

در واقع، تربیت بزرگان و اندیشمندان را مدیون زائیده زنان نیکو سرشت قلمداد می‌گردد. باشد که نه تنها یک روز، بلکه در طول سال باید به نام زن خوانده شود تا شاید دیده به یک نگاه بتوان از او ستایش، تمجید و قدردانی به عمل آید. روز زن به تمامی زنان سرزمینم، به خصوص خطه ساحل‌نشینان، مبارک باد.

رونمایی از کتاب «پیرزن منگ منگو» در بوشهر

همزمان با مراسم جشن شب یلدا، از کتاب «پیرزن منگ منگو» نوشته مهدی جهانبخشان رونمایی شد.
در این مراسم که توسط فرهنگسرای امیری در بوشهر برگزار شد، نخست پریسا امیری مدیر این فرهنگسرا به حضار خوش آمد گفت، سپس دکتر عباس عاشوری‌نژاد، غلامحسین کروبی و دکتر مریم پرهیزگار به ایراد سخنرانی درباره جشن شب یلدا و اهمیت آن در سنت‌های ایرانی و پیوند بین خانواده‌ها پرداختند.
در این مراسم فیروزی شاعر بومی‌سازی بوشهری چند سروده خود را برای حضار قرائت کرد، ندافیان از طنزپردازان، طنزی از خود را اجرا کرد و موسیقی محلی و سنتی به اجرا درآمد.
پایان بخش این مراسم رونمایی از کتاب «پیرزن منگ منگو» بود که توسط استاد ایرج صغیری و دکتر یونس قیصی زاده، صورت گرفت.

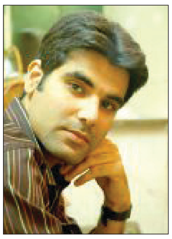


مهدی جهانبخشان نویسنده این کتاب در سخنانی اظهار داشت که هدف از نوشتن این ستون ثابت در هفته‌نامه آئینه‌جنوب در اوائل دهه هفتاد، انتقاد از مدیران و اوضاع جامعه به زبان طنز بود.
وی افزود: این مطالب انتقادی به زبان محلی نوشته می‌شد که مورد توجه بسیار قرار می‌گرفت.
مهدی جهانبخشان متولد ۱۳۳۵ بندر بوشهر است که در سال ۱۳۷۴ پایه‌گذار ستون طنز محلی «پیرزن منگ منگو» در آئینه‌جنوب بود که اکنون این مطالب انتقادی جمع‌آوری شده و در قالب یک کتاب توسط موسسه فرهنگی هنری دی‌آذر به علاقمندان عرضه شده است.

اگر واقعاً دغدغه حجاب دارید!

محسن قیصی‌زاده

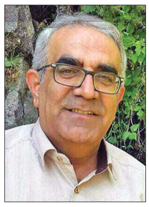
این روزها انتشار قانون حجاب جنجال‌های بسیاری را در کشور موجب شده و موافقان و مخالفان، هر کدام به نوبه و از دیدگاه خود، در مقام دفاع یا رد بندهای این قانون برآمده‌اند. موافقان چاره را در برخوردهای مالی و سلبی و جلبی دیده‌اند و مخالفان تا حد ربط دادن این طرح به پروژه‌ی نفوذ پیش رفته‌اند. بیش از چهار دهه قانون روی قانون تصویب و از پس برخوردهای سلیقه‌ای، تنش پشت تنش ایجاد شد، اما نه تنها نتیجه‌ی مطلوب قانون‌گزاران حاصل نشد، بلکه سانتیمتر به سانتیمتر روسری‌ها عقب‌تر رفت، بلندی روپوش‌ها هر چه بیشتر از مچ پا فاصله گرفت و دکمه‌ها از جلوی مانتوها یکی‌یکی فرو افتاد و حذف شد!
اما اگر ایشان واقعاً و قلباً دغدغه‌ی حجاب دارند و این مقوله دستاویزی برای نیل به اهداف سیاسی و رودررو قرار دادن دولت و مردم و یا مستمسکی برای انحراف اذهان عمومی از مشکلات اساسی و کلان مملکت نیست، بهتر آن است که دور تسلسل باطل برخورد و بازداشت و جریمه و تقابل را وا نهند و طَرحی نو در اندازند و راهی نرفته بیازمایند، چرا که حتی اگر طرح حاضر، در کوتاه‌مدت و از بیم جریمه مالی و دیگر تنبیهات و بگیر و ببندها هم جواب دهد، بدیهی‌ست که به صورت اساسی ره به جایی نخواهد برد و این جبر نیز به قبر دیگر طرح‌های غیر کارآمد پیش از خود همچون ممنوعیت ویدئو و ماهواره و... راه خواهد برد.
بر اساس محک تجربه، بهبود وضعیت حجابِ مد نظر مسؤولین در کشور، نه با وضع قانون‌های عجیب و از سر استیصال، نه با برخوردهای قهری و هزینه‌زا و نه با طرح‌های مضحک و سخیفی همچون کلینیک بی‌حجابی، بلکه فقط از یک مسیر می‌گذرد و آن هم ارائه یک چهره‌ی جذاب و رحمانی و فراگیر از دین و مذهب است. امر مهمی که بنا به دلایل مختلف، سال به سال بیشتر از آن فاصله گرفته‌ایم که گواه این ادعا را می‌توانید از مسجدهایی که روز به روز خلوت‌تر می‌شوند و پیشی گرفتن شمار نمازگزاران سالخورده‌ی صندلی‌نشین از تعداد جوانان نمازگزار سراغ گرفت.
به عبارتی می‌توان چنین گفت که در این چند دهه، ریزش‌ها بسیار فراتر از رویش‌ها بوده است. به عنوان پیشنهاد به متولیان حجاب، بهتر آن است که جامعه‌ی هدف را تغییر دهید و به جای این‌که همه‌ی نگاه و فشار را متوجه مردم سازید، سر پروژکتور را چرخانده و نور را جای دیگری بیندازید. به عبارت دیگر، چه بسا وضعیت رویکرد مردم به دین، علاوه بر نوع برخورد اهل دیانت، ماحصل و نتیجه عملکرد نهادهای متعدد مذهبی باشد که با پسوند عمدتاً فرهنگی، کارایی‌شان با بودجه‌های گاه هنگفت دریافتی، هیچ‌گونه تناسبی ندارد. وضعیت امروز حجاب که ایشان منتقد اصلی آن هستند، مؤید این نکته است که این اشخاص و نهادها یا در زمینه‌ی وظایف خود کم‌کاری کرده یا در مسیر اشتباه گام برداشته‌اند. حال خود باید پاسخگوی چرایی تغییر پوشش گسترده و رویکرد جامعه به دین و مذهب باشند.
برای تغییر مثبت نگرش مردم به دین و پیرو آن بهبود وضعیت حجاب، نه مردم عادی اجتماع، بلکه نهادهای مذهبی و روحانیون و اهل دین در صف اول جای می‌گیرند و باید هدف اصلی هر برنامه و سیاست‌گذاری باشند. برای این‌که درخت بَر دهد و تناور و سایه‌گستر باشد، باید ریشه را دریافت، وگرنه به صِرف هرس شاخه‌ها و ستردن برگ‌ها، خشکیدن و از بار و بَر افتادن، سرنوشت ناگزیر درخت خواهد بود. به نظر می‌رسد حداقل بخشی از اهل دین که همانا وظیفه‌ی ذاتی ایشان نشر و گسترش دین مبین و شیوه‌ی صحیح دینداری است، به واسطه‌ی اشتغال به امور دنیوی از جمله حزب‌بازی و سیاست‌زدگی و احراز پُست و مقام و پرداختن به امور غیرتخصصی و... از اصل وظیفه غافل مانده‌اند.
وعظِ بی‌عمل آفت دین و دانش و جامعه است و حتی در سروده‌های شاعران عارف‌مسلک ما بسیار مورد نکوهش قرار گرفته، آن‌جا که حضرت حافظ فریاد می‌زند «که وعظ بی‌عملان واجب است نشنیدن» و یا به قول منتسب به حضرت فردوسی که «دو صد گفته چون نیم کردار نیست»!
لذا می‌طلبد روحانیون و دغدغه‌مندان دین و توبه‌فرمایان، در وهله‌ی اول خود آینه‌ی تمام‌نمای اندرزها و توصیه‌های خویش باشند و در راستای ارائه‌ی چهره‌ای زیبا و گیرا از مذهب بکوشند. به عبارتی مبلّغ دینی باشند که رفتار مدعیان دین‌مدار در خلوت و جلوت در تناقض نباشد. اسلامی که هر جمعه خطیبانش عَلَمِ



هدایت تقوا و محبت و همبستگی برافرازند نه عَلَم نفرت‌پراکنی و تخطئه و حذف. اسلامی که مدعیان معنویت، زیان کسان از پی سود خویش نجویند و دین را به سوءاستفاده پیش نیارند. مسلکی که در آن به قهر، "عیب جوان و سرزنش پیر" نکنند. دینی که اگر منبرنشینان آن از حجاب دم می‌زنند و وااسلاما سر می‌دهند، دُم خروس عکس‌های آن‌چنانی فلان فرزند و نوه‌شان، آن سوی آب به مناسبت کریسمس و هالووین بیرون نزند. مذهبی که در سیره‌ی خود، آن‌چه را برای خود می‌پسندند، برای دیگران نیز بپسندند.
اگر در لباس روحانیت به هر دلیلی مخالف رفع فیلتر فضای مجازی باشند، آقازاده‌هایشان در فضای کشورهای غربی، بی‌دغدغه‌ی فیلتر و... با تابعیت آن کشور زندگی نکنند. آیینی که حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی یکی از اصول اساسی آن باشد. اسلامی که رگ گردن‌ها نه تنها برای حجاب، بلکه برای آن سر که گرسنه روی بالش گذاشته می‌شود نیز بیرون بزند، خونِ خشم برای بیماری که هزینه‌ی دارو و درمان ندارد نیز بجوشد، گوش‌ها از شنیدن خبر هر روزه‌ی اختلاس فلان مسؤول تیز شود، دل‌ها برای جوانانی که توان مالی ازدواج و تهیه مسکن و چرخاندن یک زندگی ساده را ندارند نیز به درد آید، جگرها از ژرف‌تر شدن درّه‌ی اختلاف طبقاتی، سیل مهاجرت نخبگان، مرداب بیکاری جوانان تحصیل کرده، بالا رفتن آمار جرم و بزه، پایین آمدن سن فساد و فحشا، ترک خوردن زمین و خشکیدن ایران و... و... و... نیز شرحه‌شرحه شود. البته که نشان دادن چهره‌ای رحمانی و همراه با مدارا از دین و اصلاح کژروی‌ها و برساختن یک نمونه‌ی موفق از حکومت اسلامی در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و به ویژه اقتصادی، می‌تواند آب رفته را تا حدود زیادی به جوی باز آرد و از همان دری که بسیاری به خاطر فقر و بی‌عدالتی و دیدن دوگانگی‌ها و... از آن خارج شده‌اند، آن‌ها را بار دیگر وارد عمارت آباد ایمان و معنویت نماید. حال اگر دغدغه‌ی حجاب دارید، بسم‌الله./ عصرایران

پیرانه سری، بدون مسکن

دکتر سعید معدنی



در سال‌های اخیر با پدیده‌ای جدید روبرو هستیم که قبلا سابقه نداشت. این‌که با افرادی مواجه‌ایم که بازنشسته، و یا در آستانه بازنشستگی بوده ولی فاقد مسکن دائم و یا مسکن شخصی هستند واین بسیار غم‌انگیز است. زیرا دوران بازنشستگی، دوره‌ی کاهش توان جسمی و بروز پیری و بیماری‌هاست. این افراد از پرداخت کرایه‌های سرسام‌آور در این اوضاع وانفسا رنج می کشند و تقریبا همگی پس از فراغت از شغل نخست به شغل دوم مشغول‌اند، اما باز این همه کفاف هزینه زندگی امروز را نمی‌دهد.

به عبارتی با ملاحظه افراد دور و بر خودمان و گپ و گفت با ایشان به کسانی برمی‌خوریم که در دوران پیرانه‌سری، سپیدمویی و بازنشستگی هستند، اما مستاجراند و همه ساله بر آمار این‌گونه افراد افزوده می‌شود. قبلا اگر نگران جوانان و آینده‌شان بودیم، امروز فراتر رفته و باید نگران پیران‌مان نیز باشیم. آن‌ها که اکثرا از قشر کارگر و کارمند هستند و از نوجوانی و جوانی کار کرده اند اما به دلیل گرانی و تورم دو رقمی چهل‌ساله اغلب در طول زندگی شغل دوم و یا اضافه‌کاری هم داشته‌اند اما هیچ‌وقت آسایش نداشته‌اند. این افراد درآمد ناچیز کارگری و کارمندی را خرج اجاره خانه سرسام آور و زندگی روزمره سی- چهل ساله اخیر کرده، و اکنون از مسکن- این حق اولیه - محروم هستند.

سال ۱۴۰۱ بود که سازمان بازنشستگی کشوری اعلام کرد که برای بازنشستگان فاقد مسکن خانه می سازد! در آن زمان تاحدودی امیدوار شدیم، چون فکر می کردیم تعداد محدودی از بازنشستگان فاقد مسکن هستند! اما امروزه با بازنشستگان مستاجر فراوانی‌مواجه می شویم و همان‌طور که گفته شد هر سال بر تعدادشان افزوده می‌شود.

امروز پای صحبت یکی از ایشان نشستم. بازنشسته‌ی یک شرکت صنعتی بوده و الان نگهبان یک مجتمع مسکونی است. با دریافت هر دو حقوق نمی‌تواند یک زندگی عادی داشته باشد. در کنارش می‌نشینم و به درددل‌هایش گوش می کنم. در یکی از شهرک‌های اطراف تهران مستاجر است. قبلا در تهران مستاجر بوده اما کم کم به شهرک‌های حاشیه‌ای رفته و می گوید اگر نتواند کرایه مسکن فعلی را هم جور کند شاید جایی دورتر مثل شهر جدید هشتگرد برود. اما هم خانواده مخالف هستند و هم به خاطر دوری راه این شغل دوم را از دست می دهد. دو فرزند دختر بزرگ دارد. می گوید دختر بزرگش خواستگاران زیادی داشته، اما به خاطر گرانی جهیزیه و مراسم عروسی، به آن‌ها جواب رد می‌دادند. اکنون به ناچار به یکی جواب مثبت داده و در حال تهیه جهیزیه است و سخت نگران آینده خود و فرزندانش است.

می‌گوید قبلا بسیاری از کارمندان و کارگران که بازنشسته می‌شدند با پول دریافت حق سنوات بازنشستگی یک آپارتمان حداقل در اطراف تهران می‌خریدند. اما الان با این حق سنوات و گرانی مسکن و کالا نمی‌تواند یک پراید نو هم بخرد، پراید کهنه دست دوم شاید. هزینه کرایه منزل و افزایش سرسام‌آور سالیانه آن تمام حقوق و حق سنوات دریافتی را می‌بلعد و نفس زندگی را گرفته است.



این یک نمونه از انسان‌های شریف دور و بر خودمان است. دیپلمه قدیم است، اهل هیچ فرقه و تفریح جوانی نبوده. اندام متناسب دارد که حکایت از سلامت و ورزشکار بودن در جوانی است و اهل دود و دم و سیگار هم نیست. در جوانی دوست داشت تهران خانه داشته باشد اما طبعا به رویای دست نیافتنی تبدیل شد. امروز نه تنها در تهران نمی‌تواند مسکن اجاره کند حتی در شهرک‌های اطراف تهران و کرج هم برای کرایه آپارتمان مشکل دارد.

گرانی و تورم کمرشکن چند دهه‌ای، بسیاری را فقیر و فقیرتر کرده و به خاک سیاه نشانده است. از او جدا می‌شوم و با نگرانی‌هایش تنهایش می گذارم. وقتی به دور و بر خود نگاه می کنیم خودمان هم کم و بیش برای آینده نسل میانسال و نسل جوان و حتی خودمان نگران هستیم. امیدوارم تصمیم گیران مملکتی از آرمان گرایی متوهمانه دست برداشته و به خود بیایند و به فکر جامعه ۸۰ میلیونی باشند که با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می کنند و به‌شدت نگران امروز و فردای خود هستند.

دغدغه‌ها و پرسش‌های توان‌یابان شاغل استان بوشهر

ترانه فرخی - نماینده جمعی از توان‌یابان شاغل استان بوشهر



جناب آقای دکتر عزیزنژاد،
مدیرکل محترم بهزیستی استان بوشهر

اینجانب به عنوان یکی از افراد توان‌یاب شاغل در استان، با توجه به مأموریت و رسالت ارزشمند سازمان بهزیستی در حمایت از حقوق و فرصت‌های افراد توان‌یاب، دغدغه‌ها و پرسش‌هایی را مطرح می‌نمایم که امیدوارم مورد توجه قرار گیرد و در راستای بهبود شرایط ما، اقداماتی صورت پذیرد.

۱. فرصت‌های شغلی: آیا برنامه‌ریزی خاصی برای ایجاد و معرفی فرصت‌های شغلی ویژه افراد توان‌یاب در استان وجود دارد؟ و آیا این فرصت‌ها به‌طور شفاف و مؤثر در اختیار این قشر قرار می گیرد؟

۲. حمایت‌ها و امتیازات: درخصوص امتیازاتی که برای کارکنان توان‌یاب در دستگاه‌های اجرایی و ادارات در نظر گرفته شده است، آیا سازوکار مشخصی برای بهره‌مندی واقعی از این امتیازات تعریف شده یا صرفاً جنبه تبلیغاتی دارد؟

۳. تسهیلات رفاهی و مناسب‌سازی محیط کار: آیا توان‌یابان شاغل در استان به امکانات رفاهی همچون منازل سازمانی، سرویس رفت‌وآمد و دیگر تسهیلات مشابه به‌صورت عادلانه دسترسی دارند؟ همچنین، آیا محیط‌های کاری آن‌ها متناسب با شرایط و نیازهای خاص آن‌ها طراحی شده است؟ و آیا سازمان‌ها از شرایط و نیازهای خاص توان‌یابان مطلع بوده و اقدامات لازم را در این زمینه انجام داده‌اند؟

۴. دسترسی برابر به پست‌های مدیریتی: آیا امکان حضور توان‌یابان در پست‌های مدیریتی و ارتقاء شغلی برابر با سایر کارکنان فراهم است؟ و چه حمایت‌ها یا آموزش‌هایی برای تحقق این امر ارائه می‌شود؟

۵. ارتقای شغلی برابر: آیا مسیر شغلی توان‌یابان، مشابه سایر کارکنان، به‌گونه‌ای طراحی شده که عدالت در ارتقاء شغلی رعایت شود؟ چه اقداماتی برای رفع موانع احتمالی در این خصوص انجام شده است؟

۶. بانک اطلاعاتی توان‌یابان شاغل: آیا بانک اطلاعاتی جامعی از توان‌یابان شاغل در استان تهیه شده است که به تحلیل و رفع مشکلات آن‌ها کمک کند؟

۷. رسیدگی به شکایات و نارضایتی‌ها: در صورت نارضایتی توان‌یابان از نحوه خدمات‌رسانی در محل کار، عدم رعایت شرایط مناسب‌سازی محیط کاری، یا سایر موارد مرتبط، به کجا می‌توانند مراجعه کنند تا وضعیت آن‌ها به‌درستی مورد رسیدگی قرار گیرد؟ آیا تدابیری مشخص و سازوکاری شفاف در این زمینه پیش‌بینی شده است؟

امیدوارم با بررسی دقیق این موارد و پیگیری‌های لازم، گام‌های مؤثری در جهت ارتقاء کیفیت زندگی و شغلی توان‌یابان شاغل برداشته شود. این اقدامات، علاوه بر ایجاد انگیزه و امید در جامعه توان‌یابان، می‌تواند به بهبود بهره‌وری و اثربخشی آنان در محیط‌های کاری نیز کمک کند.



به دغدغه‌های نیروهای روابط عمومی و رسانه، توجه کنید

مهسا متقی

استاندار محترم بوشهر، انتخاب شما به عنوان استاندار جدید بوشهر را صمیمانه تبریک می‌گویم. این مسئولیت بزرگ، نشان‌دهنده اعتماد و امید مردم به شماست و ما به عنوان شهروندان این دیار، به توانمندی‌ها و دلسوزی شما ایمان داریم. نیروهای ساعی روابط عمومی و رسانه، همواره در خط مقدم ارتباطات میان دولت و مردم قرار دارند. آن‌ها با تلاش و کوشش خود، سعی در انعکاس واقعیت‌ها و نیازهای جامعه دارند و در این مسیر، با چالش‌ها و دغدغه‌های متعددی روبرو هستند. از شما به عنوان استاندار جدید، درخواست دارم که به دغدغه‌های این نیروها توجه ویژه‌ای داشته باشید:

۱. حمایت از آموزش و توانمندسازی: الزام به مدیران برای فراهم کردن دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی برای نیروهای روابط عمومی و رسانه، می‌تواند به ارتقاء مهارت‌ها و دانش آن‌ها کمک کند و در نتیجه، کیفیت خدمات ارائه شده به مردم افزایش یابد.

۲. توسعه زیرساخت‌های ارتباطی: توجه به بهبود زیرساخت‌های ارتباطی و فناوری اطلاعات در بوشهر، می‌تواند به تسهیل فعالیت‌های رسانه‌ای و ارتباطی کمک کند و دسترسی به اطلاعات را برای مردم آسان‌تر کند.

۳. ایجاد بسترهای همکاری: فراهم کردن فرصت‌های همکاری میان نیروهای روابط عمومی و رسانه با نهادهای دولتی و خصوصی، می‌تواند به تقویت ارتباطات و تبادل اطلاعات کمک کند و در نهایت به بهبود خدمات عمومی منجر شود.

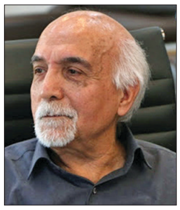
۴. توجه به صدای جوانان: جوانان و نخبگان در حوزه رسانه و ارتباطات، پتانسیل بالایی دارند. حمایت از ایده‌ها و ابتکارات آن‌ها می‌تواند به نوآوری و خلاقیت در این حوزه کمک کند.

۵. شفافیت و ارتباط مستمر: ایجاد کانال‌های ارتباطی شفاف و مستمر میان استانداری و نیروهای رسانه‌ای، می‌تواند به بهبود همکاری‌ها و افزایش اعتماد عمومی کمک کند.

امیدوارم با همت و تلاش شما، بوشهر به جایگاهی شایسته در عرصه‌های مختلف دست یابد و ما شاهد پیشرفت‌های چشمگیری در این دیار باشیم.

پرده نشینی زنان

حسین حشمتی



زنان ایرانی در طول تاریخ، از جنبه‌های گوناگون در جامعه ایران نقش داشته‌اند. از نظر تاریخی، سنتی وجود داشت که زنان در خانه‌های خود نشسته و زاد و ولد می‌کردند.

در دوران دودمان پهلوی تغییراتی در زندگی آنان ایجاد شد، از جمله کشف حجاب که این خود مقوله متضادی را تداعی می‌کند. بدین معنا که در دوره رضاخان می‌خواستند به زور حجاب را از سر زنان بردارند، اما با مقاومت شدید آن‌ها مواجه می‌شدند. فی‌المثل، در حال حاضر که قوه مقننه با تصویب قانون حجاب، دولت چهاردهم را ملزم به اجرای آن نموده است، مجدداً با مقاومت جامعه زنان مواجه گردیده و دولت فعلاً سعی دارد با مسالمت و مدارا به نحوی که نه سیخ بسوزد و نه کباب، اعمال قانون نماید. البته این روش مورد قبول طبع قانون‌گذاران تندروی مجلس قرار نگرفت تا جایی که با اختصاص بودجه‌ای خاص تلاش کردند از طریق یکی از نهادهای غیردولتی، اعمال قانون کنند که منجر به درگیری میان حجاب‌بانان محجبه با بانوان روسری‌پوش در اماکن عمومی گردید. رسانه‌های مجازی و مکتوب نیز به بازنشر آن پرداختند و از آن‌جایی که گردانندگان رسانه‌های معاند خارج‌نشین نیز با آب و تاب به انتشار این وقایع اتفاقیه پرداختند، لاجرم فتیله را فعلاً پایین کشیده و اجرای آن را وانهاده‌اند تا وقتی دیگر.

از دیگر امتیازات زنان می‌توان به اعطای حق رای، اعطای حق تحصیل و حق داشتن مشارکت سیاسی و تصدی مناصب عمومی در تمامی سطوح دولتی اشاره کرد که خوشبختانه اغلب قریب به اتفاق این امتیازات پس از پیروزی حکومت جمهوری اسلامی همچنان برقرار مانده و هم‌اکنون هزاران دختر دانشجو در دانشگاه‌های کشور به تحصیل مشغولند و صدها هزار زن دانش‌آموخته رشته‌های مختلف علمی در قوای مقننه، اجرائیه و حتی قضائیه اشتغال دارند.

علوم‌پزشکی بوشهر فرصت درمان یا مسلخ اعتبار ؟

عبدالخالق عبدالهی



از انتظارات برآورده نشده مردم و نارضایتی کادر درمان و اعتصاب پرستاران که بگذریم همه می‌دانیم نظام درمان در استان بوشهر با بدهی انباشته هزار و سیصد میلیارد تومانی تا خرتناق در باتلاق بی‌پولی و نا مدیریتی گیر کرده و دچار معضلاتی است که به معنای خاص کلمه مردافکن بوَد زورش. از طرفی دولت پزشکیان که با وعده پرطمطراق وفاق ملی بر سر کار آمده توقعات از این مریض رو به موتی که نفس‌های آخر را می‌کشد را به شدت بالا برده و دردمندان بوشهری انتظار دارند با آمدن رییس جدید دانشگاه علوم پزشکی بخشی از آلام آنان تسکین یا دستکم تخفیف یابد .

این‌طور که شنیده ام دکتر شفیعی جراح معروف قلب، گزینه اصلی ریاست دانشگاه علوم پزشکی بوشهر است . من شفیعی را دورادور می شناسم و بخاطر دارم اوایل دهه هشتاد وقتی جراح عمومی بود و در برازجان طبابت می کرد یکی دو نفر از همکارانش از دستش شکایت کرده بودند که با معالجه رایگان بعضی از بیماران هم نظام سود پزشکان را بهم زده هم توقع بیماران را بالا برده است. بگذری .

شفیعی هم تجربه مدیریتی دارد هم مدتی ریاست بیمارستان برازجان که به گمانم یکی از پیچیده ترین مدیریت‌های درمانی است و اداره اش مهارت و نبوغ خاصی می طلبد را در کارنامه دارد هم سه دوره معاونت درمان علوم پزشکی. ضمن این که آدم پاک‌دستی است و از همه مهمتر از خیلی قبل یعنی از زمانی که پزشکیان نماینده مجلس بوده با او ارتباط نسبتاً نزدیکی داشته و همچنان دارد.

با همه این نقاط قوت، نمی دانم چرا مسئولان ارشد استان در معرفی نهایی شفیعی تعلل می کنند؟همه جا (منظورم جاهای صاحب و بَهنودار است نه وادی العذاب بی در و پیکری بنام استان بوشهر) خلاصه همه جا اگر شخصی با دربان فلان وزارتخانه هم آشنایی داشته باشد التماسش می کنند مسئولیتی بپذیرد بلکه بتواند با ارتباط و لابی‌گری و تو بمیری من بیمرم برای استانش موثر و مفید واقع شود. حالا که این‌جا توی استان ما، یک بابایی پیدا شده که بومی هست، تخصص دارد، تجربه مدیریتی دارد با رییس‌جمهور آشنایی شخصی دارد خودش هم تمایل به خدمت و بهتر بگویم تمایل به فداکاری دارد که بر صندلی داغ ریاست دانشگاه علوم پزشکی بنشیند و آهن گداخته معضلات انباشت شده این حوزه را چنگ بزند، مسئولین از نماینده مجلسش بگیر تا استاندارش ناز می فرمایند، پشت چشم نازک می کنند و دندان اسب پیشکش را می شمرند. به قول قدیمی‌ها، خب اگه مرگ می‌خواین برید قصابخونه. من اگر جای استاندار بودم همین فردا وساطت می‌کردم تا شفیعی رییس دانشگاه علوم پزشکی شود و از روابطش نه تنها در علوم پزشکی و درمان بلکه در حوزه‌های راهسازی و عمرانیِ و خلاصه هر جایی که فقدان بودجه لنگ و معطلشان گذاشته، استفاده می کردم . قبلاً می‌گفتند جا هست جانشین نیست اما این‌جا توی استان بوشهر حالا که جانشین هست کفش کجش را راست می‌گذارند و می گویند: نخیر، بفرمایید بروید جا نیست.

به‌نظر من ریاست بر علوم پزشکی استان بوشهر یک اسم است و هزار معنا. یک نام است و هزار چالش. یک پست است و هزار مشکل. و اما نکته آخر: شفیعی اگر رییس دانشگاه شود قطعاً مشکلات کمتر خواهد شد، درمان نفسی خواهد کشید، بودجه‌ای تزریق خواهد شد و احتمالاً اوضاع کمی جان می‌گیرد و قرار می‌یابد خلاصه این‌که کاروان درمان به سلامتِ خواهد گذشت اما بگذارید بگویم چه بر ساربان خواهد گذشت. شفیعی احتمالاً اعتبار سی ساله اش در تار و پود مشکلات و چالش‌های پایان‌ناپذیر درمان بر باد خواهد رفت. یقین دارم آبروی شغلی که سی سال به مثقال آمده در شش ماه به خروار خواهد رفت.

البته مدیری اگر کارش کساد و کیسه اش گشاد باشد اگر ریاکار باشد خوب بلد است سر پرستاران معترض را به طاق بکوبد می‌فهمد چطور به دردمندان دروغ بگوید چه سان تحول خواهان آرزومند را وعده سرخرمن دهد تا هم خدا را داشته باشد و هم خرما را. اما شفیعی نه آجیل می دهد نه آجیل می گیرد نه حاضر است قانون را خم کند نه جلوی فلک سر خم می‌کند کسی که اصلاً نمی داند دروغ و دوز و کلک برگ چه درختی است . او در این منصب سبوی سختی ها را به دوش باید کشد و من می دانم راه چندان هموراری در پیش ندارد. پس اگر می گویم برای پذیرفتن این پست فداکاری می‌کند به این دلایل است. این‌ها را وقتی ما می‌دانیم او خودش نیز می‌داند اما چه می‌شود کرد به قول شاعر: قرار در کف آزادگان نگیرد مال/ نه صبر در دل عاشق، نه آب در غربال

نگاه سنتی به زن، منشا کج‌رفتاری‌هاست

رضا نکیسا



وقتی صحبت از زن می‌شود، مکان و زمان اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌یابد. در دنیای مدرن و با آغاز قرن ۲۱، همگام با تغییرات لحظه‌ای جهان، نقش‌ها و کارکردها تغییرات چشمگیری داشته‌اند. گاهی زن در نقش فیلسوف سیاسی چنان گفتمانی جدید را در حوزه ادبیات فلسفه سیاسی ایجاد می‌کند که دنیا متحیر اندیشه‌اش می‌شود، همو در قالب رهبری که اقتصاد کشورش در سایه تدبیرش، قدرتمندترین اقتصاد جهان می‌شود و آن‌گاه که دانشمندی است و جایزه جهانی ریاضیات را از آن خود کرده و مرزهای علم را می‌گشاید، همه حکایت از تغییر بنیادینی در حوزه نقش زنان در جامعه امروزی دارد.

در دنیای مدرن، زن بودن محدودیت یا جنس دوم بودن نیست. زنان با توانمندی‌هایی که از خود نشان داده‌اند، مرزهای تنگ تبعیض را وسعت بخشیده‌اند. نگارنده بر این باور است که همگام با پیشرفت و توسعه جوامع بشری و همگام با تغییرات آن، جایگاه زنان نیز تغییر کرده است و امروزه فعالیت زنان بدیهی‌ترین حقوق انسانی و اولیه آنان است.

اما با تمام پیشرفت‌ها و تغییرات مثبتی که صورت گرفته است، هنوز برای ایجاد تغییرات بزرگ و پذیرش زنان در برخی از جوامع سنتی عادی نشده و تاب و تحمل تغییرات عمده را ندارند، تا جایی که گاه رفتارهای مشمئزکننده دیده می‌شوند. باید اشاره کرد که زنان در طول تاریخ، راهبری بخش‌هایی از جامعه را به عهده داشته‌اند اما امروزه این نقش تعیین‌کننده‌تر از قبل در آگاهی بخشی شده است. زنان بزرگی که در حوزه ادبیات (شعر و نثر)، علوم محض و کاربردی و علوم انسانی پیشتاز این علوم و در مرزهای دانش قدم برداشته‌اند.

امروز باید از زن به عنوان انسان به ما هو انسان یاد کرد. انسانی که از مرزهای محدود جنسیت رها شده و به دنیای گسترده قابلیت‌ها و توانمندی‌ها پا گذاشته است، عرصه‌ای که در طول تاریخ میدان انحصاری خودنمایی مردان بوده است.

در روزگار ما، زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی به مثابه مادر، خواهر و همسر می‌توانند نقش‌های متفاوتی را توام با هم داشته باشند بدون نگرانی از کاستی‌های متصور و ایجاد خلل در هر نقش. تصور زندگی بدون زن همان‌قدر ابلهانه به نظر می‌رسد که تصور شود جهان را می‌توان فقط با یک نگاه اداره کرد.

آن‌چه تصویر نابجایی را از زن می‌سازد، واژه «جنس مخالف» است که کاربرد و شیوع این کلمه، وضعیت جنسیت‌زده‌ای را در جامعه سبب شده است. زن جنس مکمل است و کامل‌کننده حیات و تداوم بخش زندگی آدمی است. برای حصول این امر، به قول شاعر، چشم‌ها را باید شست و جور دیگر باید دید.

با نگاهی به اخبار و گزارش‌های روزانه می‌توان دریافت که با همه تغییرات مثبتی که در این بخش صورت گرفته، تا زمانی که زنان به جایگاه واقعی خود در جهان دست نیابند، نیازمند تغییر دیدگاه و نگاه‌ها در تمامی بخش‌های مختلف جوامع بشری هستیم.

نکته آخر این‌که با همه روشنگری‌هایی که صورت گرفته، هنوز دیده می‌شود که در قانونی‌ترین نهاد برخی از کشورها، بسته‌ترین قانون برای تحقیر زنان مصوب می‌شود که با نگاه انسانی و مدرن معاصر، فرسنگ‌ها فاصله دارد. با امید به این‌که روزی تمامی زنان در همه جهان بتوانند به جایگاه واقعی خود که همانا جایگاه انسانی است، دست یابند.

از دی حبیب در بوشهر تا انوشه انصاری در فضا

جمیل رزمی



تنها در کافه نزدیک عمارت امیریه بوشهر نشسته‌ام. باد سرد پاییزی بی‌محابا از روی دریا به سمت ساحل می‌وزد و رهگذران شتاب‌زده از جلو دیدگانم عبور می‌کنند. روزنامه را کمی بالاتر می‌گیرم تا سوز سرما کمتر چشمانم را بیازارد. بی‌اختیار اسمی را زمزمه می‌کنم؛ «دی حبیب». مکث می‌کنم و با خودم می‌گویم این اسم چه‌قدر برایم آشناست!

یاد روایتگری محمد صغیری از زندگی مردمان محله شکری بوشهر می‌افتم. حکایتش از دو شخصیت برجسته از افراد محله شکری که هم علم داشتند و هم تجربه طبابت و روحی بزرگ که در قالب زمان خود نمی‌گنجیدند.

یکی از آن‌ها مرحوم یوسف سیرجانی انسانی شریف و خوش‌قلب بود که هر چه‌قدر از بزرگی و مردمداری او بگوییم کم است و دیگری دی حبیب.

آقای سیرجانی از کارمندان بهداری آن زمان بود که به قول امروزی‌ها پرستار بود و قدیمی‌ها به آن‌ها آمپول‌زن می‌گفتند. او از آن دست آدم‌هایی بود که هر کاری از دستش برمی‌آمد برای مردم انجام می‌داد؛ از آمپول زدن گرفته تا پانسمان و حتی طبابت جزئی، زیرا تجربه‌اش را داشت. ضمن این‌که او مردی خیرخواه و خداترس بود و به بیماران بسیار احترام می‌گذاشت. دوچرخه‌ای داشت که «چلق، چلق، چلق» صدا می‌کرد و می‌رفت سراغ بیماران. برایش تفاوت نمی‌کرد شب باشد، نصف شب باشد، وقت و بی‌وقت؛ هر موقع که به او نیاز داشتند، به در خانه‌اش می‌آمدند. تو بگو به کسی نه گفته باشد؛ نه، امکان نداشت، او اصلاً بلد نبود نه بگوید و بابت زحمتی هم که می‌کشید مزدی دریافت نمی‌کرد. به این آدم چه می‌توان گفت؟ «فرشته»؟ نه، فرشته خیلی کم است. او یک انسان کامل بود که ردی از انسانیت از خود به‌جا گذاشت.

نفر دوم که اسمش مانند فیدوس در ذهنم می‌کشد، همین دی حبیب است. دی حبیب قصه ما، مادر مرحوم خلیل ابراهیم‌زاده و مادربزرگ محمود ابراهیم‌زاده، فوتبالیست مشهور است. دی حبیب زنی مهربان، متوسط‌القامه، درشت‌هیکل و تنومند با چهره‌ای گرد و عینکی بر چشم داشت. او زنی نترس بود که در راه رفتن آهسته‌آهسته گام برمی‌داشت.

دی حبیب همواره تکیه‌گاه زنان و مادران بندر بوشهر بود. دی حبیب آن‌قدر در کارش مهارت داشت که اگر نگوییم نصف بچه‌های بوشهر را به واسطه دایه بودنش در آن زمان به دنیا آورده بود، ولی به‌جرأت و بدون اغراق می‌توان گفت مادر خیلی از بچه‌ها از شکری گرفته تا جفره، از جفره گرفته تا سنگی، از سنگی گرفته تا بن مانع و از بن مانع گرفته تا صلح آباد و چهارمحل، حتی مناطق جنوبی بوشهر مثل امامزاده، دواس، بهمنی، ریشهر و سرتل و... بود. او بابت طبابتش اجرت نمی‌گرفت. اگر دلشان می‌خواست، کله قندی یا یک پاکت چای می‌دادند و اگر هم نمی‌دادند، پشت سرش را هم نگاه نمی‌کرد.

او دایه شکری تنها نبود؛ اگر می‌آمدند دنبالش، خودش عجله می‌کرد تا زودتر برود سر بیمار، چون کاربلد و کاردان بود و زمان را می‌فهمید. او می‌فهمید که زن زائو در بندر، درد می‌کشد. ای دی حبیب، بی‌بی همه بود و همه او را بی‌بی می‌خواندند.

آه روزی که بی‌بی دی حبیب مرد؛ پسینی بود شاید ده بیست بچه، شایدم بیشتر، که بابت تابوتش گریه می‌کردیم از بس که این زن خوب و بزرگ بود.

سرم را به زیر می‌اندازم، تصمیم می‌گیرم تا برای ادای احترام به او کاری انجام دهم. روزنامه را می‌بندم و سوار موتورسیکلتم می‌شوم تا ببینم پس از بعد از رفتن بی‌بی دی حبیب، چه اتفاقات قشنگی برای زنان و دختران شهرم افتاده است.

از خیابان بی‌سیم و میدان امام گرفته تا انتهای خیابان سنگی، را چشم در راه می‌سپارم و همه تابلوهای پزشکان را با وسواس و به دقت نگاه می‌کنم. الی ماشاءالله مطب زنان و دختران شهرم را می‌بینم که در رشته‌های مختلف هرکدام جای خالی بی‌بی دی حبیب را پر کرده‌اند. چشم‌هایم را می‌بندم و از ته قلبم با شعف و شادمانی به او تبریک می‌گویم و به او می‌گویم: «بی‌بی، مطمئن باش زنانی از جنس تو باعث شدند که زن بزرگی مثل مهندس انوشه انصاری، کارآفرین و رئیس یک شرکت بزرگ فناوری اطلاعات، به نمایندگی از زنان توانمند سرزمینم به فضا سفر کند.» روحت در آرامش ابدی باشد، دی حبیب که میراث گرانبهایی از خودت بجا گذاشتی.





هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

از تخریب «عمارت طبیب»، در بوشهر جلوگیری کنید

فراز غلام زاده



خانه طبیب، این بنای ارزشمند در محله کوتی و در ضلع جنوبی نایب کنسولگری انگلستان قرار داشته و دارد. بنا از دو سمت شمال و غرب به گذر دسترسی دارد.

ساختمان در دو طبقه همکف و اول ساخته شده است. در جبهه خارجی بنا و در طبقه اول یک شناشیر به طول اِل شکل برای دسترسی اتاق های پنج دری به فضای بیرون ساختمان طراحی شده است.

در ساختمان بنا از اتاق های پنج دری و سه دری با هلال‌ها و شیشه‌های رنگی استفاده شده است. مصالح بکار رفته سنگ فسیلی، گچ محلی، ساروج و تیرهای چوبی چندل از جنس چوب ساج است.

قدمت بنا به دوره قاجار برمی گردد.

مرحوم حاج اسماعیل رایانی که خود سرپرست باغبان انگلیسی‌ها در عمارت سبزآباد (ساختمان سر کنسولگری انگلستان در بوشهر) بود، در مورد «خانه طبیب» چنین می گفت: «این بنا با توجه به قرار گیری و نزدیک بودن به نایب کنسولگری انگلستان مدت زمان طولانی در اجاره نایب کنسولگری انگلستان بوده است و از آن به عنوان یکی از ساختمان‌های اداری استفاده می‌شده است».



حال با توجه به حفظ و مرمت آثار و ابنیه‌های تاریخی و ثبت این بنای ارزشمند به عنوان یک اثر ملی در فهرست میراث فرهنگی کشور، ضروری است که این بنا که در حال تخریب و ریزش است، پس از استحکام بخشی لازم، مرمت آن هر چه زودتر توسط متولیان فرهنگی آغاز شود تا از تخریب آن جلوگیری به عمل آید.

این بنا به شماره ثبتی «۳۱۵۲۵» و با عنوان «طبیب ۲» در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

۳۰ سال پژوهش برای ایران و خلیج فارس



به مناسبت سی امین سال فعالیت بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر همایشی با عنوان ۳۰ سال پژوهش برای ایران و خلیج‌فارس با حضور پژوهشگران و نویسندگان در دانشگاه فرهنگیان بوشهر برگزار شد.

به‌گزارش خبرگزاری صداوسیما مرکز بوشهر، رئیس بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر در این همایش با اشاره به این که بوشهر یک پیشینه تاریخی ۵ هزار ساله دارد، گفت: در دوره‌هایی از تاریخ به خصوص در دوره معاصر بوشهر معتبرترین بندر تجاری ایران بوده است.

عبدالکریم مشایخی افزود: بوشهر با پیشینه درخشان تاریخی‌اش این را می‌طلبد که با حفظ و نگهداری اسناد تاریخی، آیندگان را با این پیشینه مهم و ارزشمند آشنا کنیم.

وی با بیان این‌که ۳۰ سال از فعالیت بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر می گذرد، بیان کرد: تاکنون ۸۰ کتاب در بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر به چاپ رسیده است.

رئیس بنیاد ایران‌شناسی شعبه بوشهر اظهار کرد: آرشیو عکس و اسناد در چند مدت اخیر در بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر راه‌اندازی شده که این مهم در جنوب ایران کم‌نظیر است.

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر هم گفت: بنیاد ایران‌شناسی در حوزه حفظ و نشر آثار تاریخ استان بوشهر جایگاه ویژه‌ای دارد.

اسماعیل سجادی‌منش افزود: بخش بنیاد ایران‌شناسی به عنوان یک راهبر و رهبر برای اهالی تاریخ و فرهنگ استان بوشهر ۳۰ سال تلاش کردند و ۳۰ هزار جلد کتاب در این مدت توسط بنیاد ایران‌شناسی گردآوری شده است.

وی بیان کرد: در حوزه چاپ، نشر و پژوهش هرجا که کمبودی بوده بنیاد ایران‌شناسی با نگاه خوبی که به دستگاه‌های مرتبط داشتند، کم و کاستی‌ها پوشش داده شده است.

در اثر سهل‌انگاری اداره راه و شهرسازی بوشهر؛

عمارت باشکوه عصر زندیه بوشهر درحال فروریزی است

رییس بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر گفت: سال‌ها بی‌توجهی به عمارت طبیب به عنوان یکی از شاهکارهای تاریخی عصر زندیه در بوشهر باعث شده تا این اثر منحصر به فرد در معرض فروریزی قرار گیرد.

عبدالکریم مشایخی در گفت وگو با ایرنا افزود: در بافت تاریخی بوشهر، محله کوتی و ضلع شرقی کنسولگری انگلیس عمارتی باشکوه است که پیشینه تاریخی آن به آغازین سال‌های حضور انگلیسی‌ها در دوره زندیه و حکومتگران خاندان آل مذکور می‌رسد.

وی با اشاره به این‌که چند اتاق این عمارت از داخل فرو ریخته است یادآور شد: این عمارت که به نام عمارت «قماش» هم مشهور است روزگاری مکانی برای نگهداری پارچه‌های انگلیسی بود که کمپانی هند شرقی انگلیس به احتمال حدود سال ۱۷۷۰م/ ۱۱۸۳ه.ق میلادی آن را در اختیار گرفته بود.

مشایخی تصریح کرد: در سال‌های بعد تا زمان حضور انگلیسی‌ها در بوشهر (دوران زمامداری مصدق) این بنا در اختیار دولتمردان انگلیس بود چرا که نایب کنسولگری انگلیس و کلیسای ظهور عیسی مسیح (ع) هم که در سال ۱۹۱۱م/ ۱۳۲۸ه.ق به وسیله "نورمن شارپ" ساخته شد در جوار این عمارت قرار داشت.

رییس بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر ادامه داد: از دوران پهلوی به بعد این عمارت در اختیار خاندان طبیب قرار گرفت و معمران بوشهری که اعتماد فراوانی به طبابت دکتر سید علی طبیب داشتند و ایشان را پزشکی حاذق و آگاه به بیماری‌های بومی می‌دانستند، همواره در سالن ورودی اتاق دکتر در انتظار بودند که نوبت آن‌ها برسد.

مشایخی افزود: امروز و بعد از سال‌ها بی‌توجهی، این عمارت باشکوه عصر زندیه در حال فروپاشی است و اگر در فصل زمستان استحکام بخشی نشود به زودی شاهد فروپاشی این بنای باشکوه با شناشیر زیبای آن خواهیم بود.

معاون میراث اداره کل میراث فرهنگی ، گردشگری و صنایع دستی استان بوشهر نیز گفت: عمارت طبیب که در خیابان خلیج فارس، محله قدیم بهبهانی ها واقع شده در سال ۱۳۷۷ با شماره ثبت ۲۲۵۳ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

نصرالله ابراهیمی افزود: براساس بند الف ماده ۹۸ قانون برنامه ششم توسعه دستگاههایی که بنای تاریخی در اختیار دارند مکلف به برنامه مطالعاتی، حفاظت، پزوهش، مرمت و احیای آن از محل اعتبارات منابع داخلی با نظارت میراث فرهنگی هستند.

وی با اشاره به این‌که این بنا در تملک یکی از دستگاه‌های اجرایی استان بوشهر است یادآور شد: همچنین براساس ماده ۲۷ قانون الحاق مقررات دولت دستگاههای دولتی می توانند بناهای تاریخی را به میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری یا بخش خصوصی واگذار کنند.